

شرق

انجمن عکاسان دفاع مقدس نگاتیوهای زمان جنگ را جمع‌آوری، ترمیم و پس از تبدیل به فایل دیجیتالی در شرایط ویژه نگهداری می‌کنند. عکس: مهدیه کرمانی، فارس



جایزه جهانی روزنامه‌نگاری فراخوان دومین دوره جایزه جهانی روزنامه‌نگاری منتشر شد. هیئت برگزارکننده جایزه جهانی مستقل روزنامه‌نگاری با عنوان «داستان واقعی» (The True Story Award) برای دریافت آثار روزنامه‌نگاران سراسر جهان در مرحله دوم دومین دوره برگزاری خود فراخوان داد. هیئت داوران ایرانی این جایزه محمد قائد، امیرحسن چهل‌تن و سرگه بارسقیان هستند. هدف از این مسابقه شنیدن صدای خبرنگاران فراتر از مرزهای کشورشان است و در آن آثار روزنامه‌نگاران به ۱۲ زبان دآوری خواهد شد. در

بخش فارسی نیز هیئت داوران ایرانی سه اثر برای دآوری نهایی انتخاب می‌کنند. در دوره اول برگزاری این جایزه نیز سه اثر فارسی انتخاب شد و در مردادماه گذشته در مراسمی در برن سوئیس با دعوت از ۴۲ کاندیدای منتخب از جمله منتخبین ایرانی، جوایز آنان به مبلغ سه‌هزار فرانک سوئیس اعطا شد. در نهایت ۵۰ عضو هیئت داوران از ۲۹ کشور بهترین آثار سال را انتخاب کردند که نفرت اول تا سوم به‌ترتیب ۲۰، ۳۰ و ۱۰ هزار فرانک سوئیس دریافت کردند. دومین دوره اعطای جوایز در برن در چهارم تا ششم ژوئن ۲۰۲۱ برگزار می‌شود. علاقه‌مندان به شرکت در دوره

زندگی شاد و پر تلاش

با وجود

ام اس

بیماری ام اس ناتوانی نیست



راه های همیاری با انجمن ام اس ایران:

#۲۲۲۳*۴*۷۳۳*

#۲۲۲۳*۷۸۰*

تلفن:

۸-۶۶۹۵۱۱۸۷

۹-۶۶۹۵۳۹۰۷

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۳ مهر ۱۳۹۹ • ۵ صفر ۱۴۴۲ • ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۰

سال هجدهم • شماره ۳۸۲۵ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۶ • اذان مغرب ۱۸:۱۶

اذان صبح فردا ۴:۳۱ • طلوع آفتاب ۵:۵۵

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فروا

بعد از اعتراض زنان به تجاوز و آزار جنسی، افشاگری در فضای مجازی و مطرح‌شدن برخی چهره‌های بعضاً سرشناس به‌عنوان متجاوز و آزارگر جنسی، اکنون در برابر این پرسش‌ها قرار داریم که آیا این یک «جنبش» بود؛ جنبشی نظیر آنچه در آمریکا تحت عنوان جنبش Me Too آغاز شد؟ اگر جنبش بود، در مرحله بعد از افشاگری باید به کجا برسد؟ آیا این حرکت بعد از یک ماه بی‌سروصدا و ابتر شده است؟

افشاگری درباره تجاوز و آزار جنسی را شاید نتوان به‌عنوان یک جنبش مستقل صورت‌بندی کرد، اما می‌توان آن را بخشی از جنبش اعتراضی مسالمت‌آمیز زنان دانست که در سال‌های اخیر و عمدتاً در دهه ۹۰ خورشیدی از حالت نخبه‌محوری و متمرکز بر فعالان حرفه‌ای خارج شده و به صورت منتشر و توده‌ای در حال بالندگی است. درحال‌حاضر ابتکار عمل عصیان و بازاندیشی درخصوص فرودستی مؤنث به دست بخش مترقی زنان و بعضاً مردانی افتاده است که به واسطه تحصیلات، اشتغال یا ارتباطات آگاهی‌بخش، از نظر تفکر و شیوه کنشگری متفاوت از دهه‌های پیش هستند.

زنان امروز با پشت‌پازدن به قواعد زن‌بودگی، در حال کنسازدن کهنه‌ها و ضمایدهایی هستند که تاکنون زخم‌های بدن و هستی اجتماعی زن را پوشانده بودند. این زخم‌ها حالا یکی پس از دیگری عریان و نو می‌شوند و درد و التهابشان عصب‌های جامعه را درمی‌نوردد؛ چنان‌که دسته‌ای تحمل نمی‌کنند و خواستار پوشاندن مجدد زخم می‌شوند و دسته‌ای برای ترمیم و التیام بی‌به تکاپو می‌افتند. کودک‌همسری، چندهمسری، قتل ناموسی، خشونت علیه زنان، سنت خون‌بس، تجاوز و سوءاستفاده جنسی ازجمله زخم‌های پنهان بر پیکر و هستی مؤنث بوده‌اند که با کنش‌مندی زنان امروز مقابل چشم جامعه باز شده‌اند.

افشاگری و عریان‌کردن هستی دردمند و زخم‌خورده مؤنث از روابط نابرابر قدرت جنسیتی، امری نو و خلاقانه است که با دسترسی به حوزه عمومی و به میانجی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، امکان‌پذیر شده است؛ امکانی که تا پیش از این وجود نداشته و اگر افشاگری یا اعتراضی درباره مسائل زنان می‌شده، کمتر عمومی و فراگیر بوده است. به نظر می‌رسد عوامل توانمندکننده و آگاهی‌بخش در کنار تغییر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، زنان را در موقعیتی قرار داده که بتوانند در نظم جنسیتی موجود، چون‌وچرا کنند. از یک منظر نتیجه‌گرا، حرکت‌هایی نظیر افشاگری درباره تجاوز، حرکت‌هایی موقتی و لاجرم بی‌ثمر و ابتر هستند که چون دوام و پایداری ندارند، ازاین‌رو نخواهند توانست منشأ تغییری باشند. در این دیدگاه، حداکثر کارکرد هم‌صدایی زنان در طرح مباحثی نظیر خشونت و تجاوز و قتل نوعی گروه‌درمانی اجتماعی است

تحلیل

دستاورد افشاگری درباره تجاوز و آزار جنسی چه بود؟

سیمین کاظمی

که با درمیان‌نهادنش به تخفیف درد و ناکامی کمک می‌کند و اندکی بعد هم فروکش کرده و به فراموشی سپرده می‌شود؛ اما از منظری دیگر که با فاصله‌گرفتن از هر حرکت منفرد، با نگاهی زمان‌مند به کلیت موضوع نگرینسته می‌شود، این حرکت‌های به‌ظاهر منقطع و موقتی، اجزای یک روند پیوسته و پویا هستند که با واکاوی و بازاندیشی در هستی و موقعیت زنان شکل می‌گیرند و با تکیه بر شناختی که از تجربیات زیسته زنانه حاصل شده است، فهم جامعه از ستم جنسیتی و موقعیت زنان را دچار تردید و دگرگونی می‌کند.

طرح مسائل مختلف زنان به صورت هماهنگ و هم‌صدا در حوزه عمومی، دستاورد مهمی است که نمی‌توان نادیده‌اش گرفت. زبان‌کشودن و سخن‌گفتن از مسائل زنان مهم است؛ چون آنچه به تداوم ستم جنسیتی کمک می‌کند، پنهان‌ماندن در حوزه خصوصی و ناگفته و مسکوت‌ماندنش بوده است. نظم جنسیتی موجود تا زمانی بدون تغییر و پابرجا می‌ماند که در نظر جامعه عادی بنماید. وقتی مشخص شود که چنین نظامی چه بر سر زنان می‌آورد و چگونه زندگی و جان و روان آنها را تباه می‌کند، جامعه به فهم این واقعیت ناثل می‌شود که این تباهی نه عادی است و نه زنان سزاوار آن هستند.

خشونت علیه زنان، ازدواج دخترچه‌ها، چندهمسری، رسم فصل و خون‌بس، قتل ناموسی، تجاوز، آزار و سوءاستفاده جنسی و... اگرچه تاکنون در سکوت و بی‌اعتنایی جامعه رواج داشته‌اند، ولی با کنش‌مندی زنان و اکنون جامعه نمی‌تواند همچون گذشته به سکوت تأییدآمیزش ادامه دهد و چنین مسائلی را عادی بیندارد. مشخصاً افشاگری درباره تجاوز و سوءاستفاده جنسی، سه درس مهم را به همراه داشته است؛ اینکه زنان نباید سکوت کنند و باید جسارت آن را داشته باشند که از حقشان در برابر متجاوز دفاع کنند، جامعه نباید قربانی تجاوز یا فرد مورد آزار جنسی را سرزنش کند و متجاوزان و آزارگران دست‌کم دچار احساس خطر باشند و نتوانند در آرامش به زنان تعدی کنند. این موضوعی است که تاکنون سابقه نداشته است و می‌تواند جرقه‌ای از بازاندیشی درباره آزار و تجاوز جنسی به زنان باشد. در مورد سایر مشکلات و موضوعات هم سخن‌گفتن و طرح مسئله در حوزه عمومی به شکل‌گیری فهمی جدید که دربردارنده نگاه انسانی و برابری‌خواهانه به وضعیت زنان است، کمک می‌کند. صدای زنان که شناختی نو و مبتنی بر تجربیات زیسته مؤنث را برای ساختن جامعه‌ای بهتر نوید می‌دهد، تازه راه خود را به حوزه عمومی پیدا کرده است و تا رسیدن به برابری جنسیتی نریده و خاموش نخواهد نشد؛ هرچند اوج و فرودهایش دور از انتظار نیست.

زندگی دیگران

مردم و مهاجران رودرروی هم

لسبوس، ساموس و خیوس سه جزیره مشهور یونانی که بیشترین پناه‌جویان خارجی را در خود اسکان داده‌اند با برگزاری تجمع‌هایی در مقابل ادارات دولتی در یونان خواستار انتقال پناه‌جویان به نقاط دیگر یونان شدند. آتش‌سوزی گسترده و ازبین‌رفتن کمپ پناه‌جویان موجب شده تا زندگی عادی در لسبوس مختل شود. همچنین چندروزی هم کارمندان پلیس، شهرداری‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی در اعتصاب عمومی شرکت کرده‌اند. مغازه‌ها نیز در اعتراض به سیاست مهاجرت دولت یونان تعطیل شده‌اند. در ماه نوامبر سال



گذشته دولت یونان تصمیم گرفت در اکثر جزایر این کشور در لسبوس، ساموس، کوس و لروس اردوگاه‌های پناه‌جویی احداث کند. در مجموع ۴۲ هزار پناه‌جو در جزایر یونان اسکان داده شده‌اند و بارها کمپ‌های پناهندگی محل درگیری پناه‌جویان بوده است. یونان مقصد اصلی پناه‌جویانی است که قصد دارند وارد اتحادیه اروپا شوند. طبق گزارش سازمان ملل متحد ۵۵ هزار پناه‌جو از طریق دریا و ۱۴ هزار نفر نیز از طریق مرز خاکی ترکیه وارد یونان شده‌اند. اکثر پناه‌جویان از جنگ و فقر به یونان پناه آورده‌ند.

حق‌بان

بایسته‌های اجرای احکام سلب حیات



ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲۶ آیین‌نامه‌ای با نام طولانی «نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح دیات، شلاق، تبعید، نفی بلند، اقامت اجباری و منع اقامت در محل یا محل‌های معین» به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید. نحوه اجرای چهار مجازات سالب حیات: اعدام، قصاص نفس، رجم و صلب بر اساس این آیین‌نامه در پی می‌آید. نخست. اعدام: کیفر اعدام علاوه بر مجازات‌های عرفی مانند مواد مخدر، در بحث حدود برای جرائم زنا، سب نبی (دشنام به پیامبر)، سرقت دارای شرایط حد در دفعه چهارم ارتکاب، محاربه و بغی و افساد فی‌الارض پیش‌بینی شده است. پیش از اجرای حکم، پزشک محکوم را معاینه کرده و قاضی اجرای احکام به محکوم اطلاع می‌دهد چنانچه تقاضای ملاقات فرد یا افرادی را دارد اطلاع دهد. شب پیش از اجرای مجازات در صورت رضایت محکوم، مراسم مذهبی توسط فرد آگاه به مسائل مذهبی اجرا می‌شود و به محکوم تفهیم می‌شود اگر اظهاراتی مانند توبه و وصیت دارد اعلام کند. در صورتی که محکوم تقاضای خوردنی یا آشامیدنی داشته باشد، مأموران انتظامی مکلف به تهیه آن هستند، جز در مواردی که به تشخیص پزشک به مصلحت نبوده یا به تشخیص قاضی با هدف تأخیر اجرای حکم باشد. مجازات اعدام به صورت حلق‌آویز و از طریق طناب دار یا به شیوه دیگری که کمترین آزار را برای محکوم داشته باشد به عمل می‌آید. زمان اجرای مجازات حین طلوع آفتاب است مگر دادگاه زمان دیگری تعیین کرده باشد. قاضی اجرای حکم مکلف است حداقل ۴۸ ساعت پیش از اجرای حکم، مراتب را به این اشخاص و مقامات اطلاع داده تا در محل اجرای حکم حاضر شوند: قاضی صادرکننده حکم بدوی در صورتی که طبق قانون لازم باشد، رئیس زندان، فرمانده انتظامی محل، پزشک، فرد آگاه به مسائل مذهبی، منشی دادگاه، اولیای دم مقتول در قصاص نفس، وکیل محکوم و شهود در صورتی که حضور آنها لازم باشد. پس از اجرای حکم صورت‌جلسه‌ای به امضای حضار می‌رسد. به تشخیص قاضی اجرای حکم توسط مقامات زندان یا مأموران انتظامی فیلم یا تصاویر مراسم تهیه و در پرونده ثبت می‌شود. مطالبی که در مورد اعدام آمد در دیگر مجازات‌های سلب‌کننده حیات هم رعایت می‌شود.

دوم. قصاص نفس: این مجازات شرعی، قابل گذشت و مختص قتل عمد است که آن را از اعدام متفاوت می‌کند. قاضی اجرای احکام پیش از اجرای قصاص نفس مکلف است طرفین را به سازش توصیه کند. اجرای قصاص منوط به استیفای اولیای دم است که قاضی اجرای احکام کیفری پیش از اجرای قصاص درخواست کتبی آنها را اخذ، مراتب را صورت‌جلسه کرده و برای ارجح در پرونده به امضای آنان می‌رساند. مباشرت در اجرای قصاص با صاحبان حق است که می‌توانند حکم را شخصاً اجرا یا به دیگری نیابت دهند. چنانچه محکوم به قصاص متقاضی اجرای حکم به شیوه اهدای عضو باشد، با رضایت اولیای دم اقدام می‌شود. از آنجایی که در آیه ۱۷۸ سوره بقره، پس از ذکر حکم قصاص، به عفو توصیه شده است؛ تشکیل پویش (کمپین) در فضای حقیقی یا مجازی برای دعوت اولیای دم به گذشت از قاتل، نه تنها انجام فریضه شرعی امر به معروف و اجرای اصل هشتم قانون اساسی محسوب می‌شود، بلکه طبق ماده ۹ «قانون حمایت از آسمان به معروف و ناهیان از منکر» هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق ندارد در برابر اجرای امر به معروف و نهی از منکر مانع ایجاد کند، در غیر این صورت به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه هفت محکوم می‌شود. سوم. رجم: رجم در زنا یا محصنه (فرد متأهل) انجام می‌شود. پیش از اجرای حکم، فرد آگاه به مسائل مذهبی انجام غسل میت و تکفین توسط محکوم را به وی یادآوری می‌کند. مرد را تا نزدیکی کمر و زن را تا نزدیکی سینه در گودال قرار می‌دهند. هرگاه محکوم از گودالی که در آن قرار گرفته فرار کند، در صورتی باز گردانده می‌شود که اتهام او با شهادت ثابت شده باشد.

چهارم. صلب: صلب یکی از چهار مجازات جرم محاربه است. در اجرای حد صلب، محکوم را در فضای باز به چوبه دار که شبیه صلیب است آویزان می‌کنند، به نحوی که پشت به صلیب و رو به قبله بوده و پاهایش مقداری از زمین فاصله داشته باشد. همچنین دست‌های محکوم را به دو چوبه افقی و پاهایش را به چوبه عمودی بسته و به مدت سه روز تحت حفظ و مراقبت مأموران به همان حال رها می‌کنند. اگر مصلوب بعد از سه روز فوت نکرده باشد، او را رها می‌کنند.